

مقایسه رویکرد امنیتی آمریکا و حشد شعبی در عراق؛

عملکرد و چشم انداز

تورج افشون

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

عبدالحسین الله کرم^۱

عضو هیئت علمی و استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۱/۲۵ - تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۶/۲۸)

چکیده

امنیت مردم پایه، در واقع مفهوم جدیدی است که با شکل‌گیری «بسیج مردمی» در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و در عراق پس از حمله داعش به بخش‌هایی از خاکش با فتوای مرجعیت شکل گرفت؛ به گونه‌ای که حضور عناصر عقیدتی و مردمی در ساختار آن برجسته است. در حال حاضر می‌توان ادعا کرد که حشد شعبی به مثابه ساختاری عقیدتی - مردمی، در واقع خلأ ناشی از «ناکارآمدی ساختار چینش شده از سوی اشغالگران در دوره پس از سقوط صدام» را پر کرده و تبدیل به نیرویی ذاتی، کارا و توانا در عرصه امنیت‌آفرینی برای جامعه و حکومت در عراق گردیده است. پژوهش حاضر در پی تبیین این مهم است که تکیه بر مردم در عرصه‌های نظامی - امنیتی، همواره کارسازتر از وابستگی به قدرت نظامی - امنیتی بیگانه بوده و از همین رو، حشد شعبی، علیرغم برخی چالش‌ها، واجد دستاوردهای بزرگی در صحنه نظامی - امنیتی بوده است؛ به گونه‌ای که ناکارآمدی رویکردهای نظامی - امنیتی واشنگتن را بیش از پیش نمایان ساخت و نگاه‌ها را به سمت «ایجاد امنیت بر پایه‌های عقیدتی و مردمی» سوق داد.

واژه‌های کلیدی: حشد شعبی، مرجعیت، امنیت مردم پایه، رویکرد امنیتی آمریکا، داعش و

حامیان.

Email: hoseinallahkaram@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول:

فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۷، صص. ۴۱ - ۷۱.

مقدمه

نیروی «حشدشعبی»^۱ را می‌توان به عنوان نوظهورترین نیروی نظامی، مردمی و عقیدتی در عراق و حتی منطقه دانست که در چهارچوب مقاومت، هم‌ردیف حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و حماس فلسطین، در حال ایفای کارکردهای مهم و نقشی کانونی در تحولات نظامی و امنیتی این کشور به خصوص در جنگ با داعش است. این نیرو که شامل بخش‌های مختلفی است در سال ۲۰۱۴ و بعد از سقوط شهرهای مهمی مانند موصل و تکریت به دست داعش با فتوای مرجعیت و استقبال مردم؛ همچنین حمایت‌های دولت و نیروهای سیاسی تشکیل شد و جمهوری اسلامی ایران نیز به درخواست دولت عراق، نقشی جدی در پیگیری، شکل‌گیری و تکوین قدرت آن داشته است. به هر حال تشکیل حشد شعبی فرصتی بی‌بدیل و بی‌نظیر برای جامعه و حکومت عراق قرار داده است تا از این استعداد بالقوه انسانی در راستای عمق‌بخشی و گسترش گفتمان «امنیت مردم پایه» به جای تکیه بر قدرت بیگانه بهره‌برداری شود.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که «نقش و جایگاه حشد شعبی در امنیت‌آفرینی، با توجه به رویکردهای امنیتی آمریکا در عراق، چگونه و تا چه میزان بوده است؟» به عبارت بهتر بسیج مردمی عراق در مقایسه با قدرت‌های بزرگ بیگانه در معادله امنیت در عراق چه تأثیری داشته است؟

بر این اساس، فرضیه اصلی این پژوهش در واقع با توجه به سؤال مطرح شده بر این مبنا قرار گرفته که تشکیل نیرویی با عنوان حشدشعبی در ایجاد امنیت مردم پایه بسیار تأثیرگذار بوده؛ تا جایی که توانسته است، ضمن پر کردن خلأ ناشی از ناکارآمدی ساختار چینش شده امنیتی - نظامی توسط آمریکا، تهدیدهای اصلی را از جامعه و حکومت عراق دور نماید. به علاوه، باور به قدرت امنیت‌آفرین مردم را در سیاستگذاران عراقی افزایش داده است. به این مفهوم که طرفداران و حامیان حشدشعبی از بُعد ایجابی درصدد تقویت آن به انحاء مختلف هستند؛ چرا که به قدرت و توانایی آن پی برده‌اند در حالی که مخالفان و دشمنان آن، از بُعد سلبی در پی نابودی، تضعیف یا کاهش نقش آن هستند؛ به گونه‌ای که آنها هم به قدرت و توانایی آن پی برده‌اند و در صددتدا به این پدیده

^۱ در این مقاله بسیج مردمی عراق و حشد شعبی دارای معانی و مفاهیم مشابه به کار برده شده‌اند.

وجهه‌ای قومی - مذهبی بدهند. البته باید اذعان کرد برخلاف رویکردهای آمریکایی‌ها و برخی کشورهای حوزه عربی نظیر عربستان سعودی در دادن وجهه هویتی خاص به این جریان، حشد شعبی به مسیری فرا قومی - مذهبی سوق یافته و میزانی از محبوبیت خود را از مناطق جغرافیایی غیرشعبی عراق کسب کرده است. این مهم بیش از هر چیز در جریان برگزاری انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ عراق و اقبال افکار عمومی عراق به ائتلاف الفتح و السائرون، نمود یافت. از این رو، به نظر می‌رسد که پیاده کردن الگوی حشدشعبی در سیاست برای عبور عراق از چالش‌های هویتی - قومی ضروری است. البته این امر لزوماً به مفهوم ورود حشدشعبی به عرصه سیاست نیست، بلکه عرصه سیاست در عراق نیز می‌تواند از ظرفیت‌های ایجاد شده از قبل الگوی حشدشعبی بهره‌برداری کند.

هدف خاص از پژوهش حاضر در واقع، علاوه بر شناخت حشدشعبی و ساختار آن، میزان تأثیرگذاری آن در تحولات جاری و آتی عراق در راستای ایجاد امنیت و به تبع آن عرصه سیاست است. موضوع پژوهش از این رو حایز اهمیت است که حشدشعبی به عنوان یکی از بازوهای ضد جریان‌های تروریستی در عراق، تجربه‌ای ذی‌قیمت را در عرصه امنیت‌آفرینی ایجاد کرده و شناخت نقاط قوت و ضعف آن برای سیاست‌گذاری در آینده عراق و حتی منطقه، بسیار مهم است. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های دیگر در این زمینه باشد. بررسی موضوع از جنبه‌های دیگر نیز دارای اهمیت است و می‌توان از تجارب بدست آمده در عراق توسط نیروهای مردمی، در راستای امنیت سازی در سایر مناطق بهره‌برداری کرد.

متغیرهای اصلی پژوهش یاد شده شامل: رویکردهای امنیتی آمریکا و حشدشعبی به عنوان متغیر مستقل و ایجاد امنیت به عنوان متغیر وابسته است. روش تحقیق نیز کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است که بر این مبنا، جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر جمع‌آوری از اسناد، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد. در پایان نیز بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

حشدشعبی نیروهای مردمی هستند که از بطن فتوای جهاد کفایی آیت‌الله سیستانی مرجع عالیقدر شیعه و زمانی که داعش مناطق عمده‌ای از عراق را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده، متولد شد. حشدشعبی از حدود ۴۰ گروه داوطلب مسلح معین، تشکیل شده که قریب به ۱۱۸ هزار رزمنده دارد که بیش از ۶۰ هزار نفر آنها درگیر جنگ با داعش بوده‌اند.

عمدتاً ساختار و بدنه نظامی حشدشعبی را شیعیان عراق تشکیل می‌دهند؛ اما بعدها عشایر سنی عراق از استان‌های صلاح‌الدین، نینوا و الانبار و نیز کردهای فیلی و مسیحیان عراق نیز به آن ملحق شدند. از مهمترین گروه‌های تشکیل دهنده حشدشعبی می‌توان به گروه‌هایی همانند عصاب اهل الحق، سرايا السلام، طلیعة الخراسانی، کتائب سیدالشهداء، حرکت حزب‌الله النجباء، کتائب حزب‌الله و... اشاره کرد. مناطق عملیاتی این نیرو عمدتاً عبارت بوده‌اند از بغداد، بابل، دیالی، صلاح‌الدین، الانبار و الگرمه از توابع شهر استراتژیک فلوجه در الانبار. در حال حاضر رهبری آن بر عهده شخصیت‌هایی نظیر: فالح الفیاض، ابومهدی مهندس و هادی العامری چهره‌های برجسته عرصه نهضتی و سیاسی عراق است.

مهمترین دلیل شکل‌گیری حشدشعبی را می‌توان در حوادث عراق بعد از هجمه داعش مورد بازخوانی قرار داد. نیروهای افراط‌گرای داعش در مدت زمانی کوتاه موفق به تصرف موصل و بخش‌های زیادی از استان‌های صلاح‌الدین و دیالی شدند و حتی تا نزدیکی بغداد پایتخت عراق پیش رفتند. ناتوانی و چند دستگی ارتش عراق (به مثابه ساختار چینش شده امنیتی - نظامی توسط آمریکا در مقطع پسا صدام) در مقابله با تروریست‌های داعش، نخبگان سیاسی - مذهبی عراق را مجبور به اتخاذ تدابیر جدید برای مقابله با این گروه نمود. از این رو با تدبیر برخی سیاستمداران عراقی و حمایت مراجع دینی، نیرویی مردمی در قالب حشدشعبی برای مبارزه با داعش و دفاع از حاکمیت عراق تشکیل یافت و با روحیه بالا و انسجامی فوق‌العاده وارد عرصه با داعش شد.

«مهمترین دست‌آوردهای حشدشعبی بعد از تأسیس تاکنون را می‌توان در قالب چند پیروزی استراتژیک عنوان نمود که مهمترین آنها عبارتند از: آزادسازی جرف النصر (الجرف الصخر سابق در شمال بابل که بعدها به یمن آزادسازی به دست نیروهای حشدشعبی، جرف‌النصر نام گرفت و یکی از نخستین عملیات‌های موفق نیروهای مردمی به شمار می‌رفت). آزادسازی آمرلی، آزادسازی العلم، البغدادی و آزادسازی تکریت (یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های نیروهای مردمی محسوب می‌شود که در راستای عملیات لیبک یا رسول‌الله انجام گرفت). در مجموع، این نیروهای مردمی خیلی سریع در مناطق جنوبی، شمالی و غربی کمربندی بغداد مستقر شدند تا بتوانند خلأ امنیتی را پر کنند و نقش بارزی در توقف تحرکات داعش با توجه به هماهنگی عالی میان گروه‌های وابسته به حشدشعبی و نیروهای امنیتی دولتی ایفا کنند» (کرمی، الوقت ۵ آذر ۱۳۹۴).

تکوین حشدشعبی و مشارکت گروه‌ها و جریان‌های مختلف قومی- مذهبی در بدنه اصلی آن، در واقع مهمترین تحول در عرصه سیاسی - امنیتی عراق پس از هجوم داعش به شمار می‌آید که شاخصه‌های اساسی شکل‌گیری آن مرجعیت محوری و مردم‌محوری است.^۱

امنیت مردم پایه، در واقع مفهوم جدیدی است که در عرصه عملی و تئوریک، با شکل‌گیری «بسیج مردمی» در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شکل گرفت و در واقع دو محور عمده فعالیت آن، حضور دو عنصر دین و مردم در ساختار آن (به اصطلاح ساختار عقیدتی - مردمی) است. حشدشعبی در عراق نیز از این قاعده، مستثنی نیست و در واقع الگوی امنیتی مردم پایه موجود در بسیج، به اذعان برخی شخصیت‌ها و دولتمردان عراقی تأثیر به‌سزایی در تکوین و تطور آن داشته است.

شکل‌گیری نیروی‌های مردمی متشکل از قشرها و گروه‌های مختلف مردم، نمایانگر گونه‌ای خاص از مشارکت مردمی، به صورت فراگیر و عمومی در «ایجاد امنیت» و انسجام ملی کشور است. این مهم با حضور گسترده بسیج در متن جامعه معنا پیدا می‌کند و تا حد زیادی دولت و ملت را به‌ویژه در چهارچوب مشارکت در امنیت ملی به عنوان دغدغه عمومی مردم جامعه، در یک جبهه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر بسیج این نیروها، اندیشه امنیت ملی را از سازمان‌های رسمی و خاص حاکم، به بدنه جامعه و «نیروهای رها از حاکمیت» منتقل می‌کند؛ به گونه‌ای که از منظر پایگاه مردمی می‌توان به مقوله امنیت، نگرشی نوین داشت؛ بنابراین شکل‌گیری و توسعه نیروهای مردمی یا حشدشعبی در عراق را بایستی یکی از تأثیرگذارترین موضوعات در صحنه نظامی - امنیتی علیه داعش در چند سال اخیر به شمار آورد.

بر این اساس، علیرغم تبعات منفی امنیتی و سیاسی هجمه گسترده داعش به خاک عراق در خرداد ۱۳۹۳ (ژوئن ۲۰۱۴)، دستاوردهای مثبتی نیز عاید حکومت و جامعه عراق شد و قاعده «ایجاد امنیت توسط مردم برای مردم» به مولودی خوشنام با نام حشدشعبی

^۱ بنا به اظهار نظر سید محسن حکیم، امروزه ۳۳ درصد از نیروهای حشد شعبی از نیروهای سنی هستند و همچنین نیروهای مسیحی، ایزدی، شیک و ترکمان و همه طیف‌های ملت عراق در «حشدشعبی» حضور دارند و یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت ملی عراق همین حشد شعبی است. (منبع: آینده جایگاه حشد الشعبی در عراق، گفتگو با محسن حکیم، عضو شورای رهبری مجلس اعلای اسلامی عراق، ۴ تیر ۱۳۹۶ قابل دستیابی در سایت: <http://www.iiwfs.com/islam-world/islam-world-interviews/801>)

منجر شد. در این میان نقش مرجعیت دینی و آگاهی ایشان به زمان مناسب اعلام «وجوب جهاد کفایی» بسیار تعیین کننده بود. در همین زمینه، سید عمار حکیم، رهبر مجلس اعلای اسلامی عراق اظهار می‌دارد:

«آیت‌الله سیستانی تأثیر گسترده‌ای در گردهم آوردن جوانان براساس عقاید و آرمان‌های آنها در دفاع از دین، مقدسات و مذهبشان داشته است و همین انگیزه‌ها به این نیروهای مردمی، توانی اعطا کرده که فراتر از نیروی تسلیحات در میدان جنگ است» (تراز نیوز، ۱۳ دیماه ۱۳۹۵). وی سپس ضمن مقایسه رویکرد امنیتی آمریکا و حشدشعبی، اشاره می‌کند: «این تسلیحات نیستند که در جنگ تعیین کننده هستند، چنان که ما شاهد آن هستیم که آمریکا، پیشرفته‌ترین تسلیحات جهان را در اختیار دارد ولی نمی‌تواند در جنگ‌های مهمی مثل افغانستان، عراق و دیگر مناطقی که در آنها نقش داشته و دارد، پیروز شود. این امر بیانگر آن است که ابعاد معنوی و روحی و انگیزه‌های اعتقادی، پایه و اساس پیروزی در جنگ‌هاست که این امر در نیروهای مردمی به شکل آشکاری قابل لمس است و به همین دلیل آنها با دلیری در مقابل داعش می‌جنگند. - از این رو- نیروهای مردمی توانستند موازنه قوا را در عراق تغییر دهند. - به هر حال- عراق امروز با مشکلات بسیار زیادی مواجه است که یکی از مهمترین این مشکلات، مسئله نیروهای امنیتی این کشور است. یکی از نقاط قوت عرصه امنیت عراق، وجود حشدشعبی و حضور قهرمانانه آنها در مسیر جهاد در راه خداست» (همان).

شایان یادآوری است که آمریکا در قالب راهبرد دولت الگو، پس از سقوط صدام، سعی کرد در راستای رویکرد امنیتی خود، سیستم جدیدی در این کشور ایجاد کند و ضمن تغییرساختار نظامی - امنیتی عراق، آن را به خود وابسته نماید. بر این اساس در وهله اول باید ساختارها و نهادهای سیاسی و امنیتی پیشین حذف می‌شدند تا ساختارهای سیاسی - امنیتی جدید ایجاد و نهادینه گردند. آمریکا پس از سقوط صدام و بلافاصله پس از ورود پل برمر به عراق انحلال ارتش را اعلام کرد. علاوه بر انحلال ارتش ۳۰۰ هزار نفری، بیش از صد هزار نفر دیگر که به انحای مختلف در سرویس‌های اطلاعاتی، گارد ریاست‌جمهوری و سایر نهادهای نظامی و امنیتی و اطلاعاتی صدام خدمت می‌کردند، از کار کنار گذاشته شدند (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۶۳-۱۶۲، با تلخیص و تصرف) و همین موضوع به عمده‌ترین تهدید علیه جامعه عراق تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که خیل عظیمی از نظامیان کارکشته را بدون هیچ ساز

و کار کنترلی در متن جامعه رها کرد که هر آن، احتمال ناامنی توسط آنها و یا همدستی آنها با گروه‌های سلفی - تکفیری می‌رفت.

از سوی دیگر، در بعد سیاسی و دولت‌سازی، آنچه آمریکا در ابتدا به دنبال آن بود، نوعی دموکراسی محدود و معطوف به نخبگان و با مشارکت برخی نخبگان خاص مد نظر آمریکا بود؛ اما این امر با مخالفت رهبران سیاسی و دینی عراق، به ویژه مرجعیت روبه‌رو شد و بر این اساس، آمریکا، تا حدی زیادی وادار شد به دموکراسی توافقی (انجمنی) با مشارکت تمام گروه‌ها و نخبگان سیاسی تن در دهد.

با این اوصاف می‌توان گفت که طرح اولیه نظامی و سیاسی آمریکا براساس حاکمیت عناصر لیبرال سکولار همسو با خود بود، اما روند تحولات عراق باعث ایجاد وضعیتی متفاوت شد. در این خصوص مرجعیت دینی و معارضان عراقی در سوق دادن آمریکایی‌ها به سمتی دیگر، تأثیر به‌سزایی داشتند. به هر حال، تشکیل حکومت بر پایه انتخابات مردمی فراگیر و تشکیل حشدشعبی اقداماتی در ابعاد سیاسی و نظامی - امنیتی بودند، که با رویکردهای اولیه آمریکایی در عراق، انطباقی نداشته و ندارند.

الگوی بسیج محوری در ساختار حشدشعبی

«حشدشعبی» یا «بسیج مردمی عراق»، به نیروهایی اطلاق می‌شود که در کنار ارتش با هدف مبارزه علیه داعش سازماندهی شده‌اند. این نیروها عمدتاً از حدود ۴۰ گروه مختلف تشکیل شده‌اند که البته طیف‌های سنی، مسیحی و ایزدی نیز در آن حضور دارند.

روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ م، شیخ مهدی الکرملایی، نماینده آیت‌الله سیستانی در خطبه‌های نماز جمعه حرم امام حسین (ع) در کربلای معلی، از سوی این مرجع عالیقدر، جهاد را واجب کفایی اعلام نمود و گفت: «هر که می‌تواند سلاح به دست گیرد و هر که توانایی مقابله با تروریست‌ها را دارد، برای مقابله با آنها داوطلب شود؛ زیرا دفاع از عراق، وظیفه ملی است».

بنابراین حشدشعبی پس از سقوط موصل توسط داعش در خرداد ۱۳۹۳ در پاسخ به فتوای مرجعیت تشکیل گردید. برخی از مقامات و مسئولان عراقی، این نیروها را «تداوم بسیج در ایران» توصیف کرده‌اند و برخی دیگر بر بهره‌گیری از الگوی بسیج در شکل‌گیری و گسترش آن تأکید دارند. در همین زمینه عقیل حسینی، از اعضای ارشد «حشدشعبی»، ضمن اشاره به

اینکه، حشدشعبی ادامه بسیج است، اظهار می‌دارد که «بسیج عراق با تجربه بسیج ایران تشکیل شده است». نوری مالکی، رئیس ائتلاف دولت قانون و نخست‌وزیر سابق عراق نیز تصریح کرده است که در ساختار بسیج عراق از بسیج ایران الگو گرفته‌ایم. وی همچنین تأکید کرده است که مرحله آتی بقای حشدشعبی را به عنوان یک نیروی ذخیره می‌طلبد (وب سایت با اقتصاد، ۲۸ آبان ۱۳۹۶).

تشکیل حشدشعبی حشدشعبی را به ضرس قاطع می‌توان با تشکیل ساختاری مشابه بسیج ۲۰ میلیونی ایران همسان فرض کرد که به عنوان یک فرصت بی‌نظیر برآمده از تهدیدات امنیتی پس از ۲۰۱۴م. در عراق به شمار می‌رود. در همین راستا، ابومهدی مهندس، از فرماندهان ارشد حشدشعبی این دستاورد را دارای تجارب فراوان ارزیابی کرده و اظهار داشته است: «ما در طول کمتر از چهار سال توانستیم حشدشعبی را تشکیل دهیم؛ گروهی که با استفاده از ظرفیت‌های ملت و آموزش ده‌ها هزار نفر از جوانان داوطلب تشکیل شد، اکنون همچون نهادهایی که بیش از ۹۰ سال عمر دارند، فعالیت می‌کند» (خبرگزاری مهر، ۴ بهمن ۱۳۹۶).

در ماه مارس ۲۰۱۵ میلادی (فروردین ۱۳۹۵) در بغداد، فرماندهان «حشدشعبی» اهداف پنج‌گانه این ساختار نوین را به شرح ذیل اعلام کردند:

۱. نبرد با داعش و بیرون راندن آن از خاک عراق؛

۲. حفاظت از کشور؛

۳. حفاظت از اماکن مقدس؛

۴. آزادی مردم عراق از یوغ تروریسم؛

۵. کمک به عراقی‌هایی که توان جهاد ندارند؛

در واقع پیاده‌سازی «الگوی امنیتی مردم پایه» در عراق، حاکی از شکل‌گیری «قدرت دفاعی نوپایی» است که می‌تواند به سایر مناطق تسری یابد. همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، علی‌رغم تکرر زیاد نیروهای وابسته به حشدشعبی، آنها داخل یک چهارچوب واحد براساس فتوای مرجعیت گرد آمده‌اند و همین تبعیت و تقید دینی - مذهبی نقطه قوت اصلی این تشکل است.

ساختار و سازمان بسیج مردمی عراق

بر اساس قانون مصوب پارلمان عراق در پاییز ۱۳۹۵ هـ.ش، حشد شعبی تشکلی است که تحت نظارت نخست‌وزیر عراق، به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح قرار دارد که در حال حاضر، هماهنگی‌های آن را فالح فیاض^۱، از مسئولان امنیتی عراق و فرماندهان میدانی ساختار را «ابومهدی مهندس» و «هادی عامری» برعهده دارند.

علاوه بر گروه‌های شیعه عرب، ۶ گروه شبه‌نظامی دیگر نیز در ساختار «حشد شعبی» وجود دارند. این تعداد دارای استعداد حدود ۳۷۵۰ نفر از نیروهای شیعه ترکمان اطراف کرکوک هستند که از مناطق «طوز خورماتو»، «داقوق»، «بشیر» و «آمرلی» به حشد شعبی پیوسته‌اند و فرماندهی آنان را نیز افرادی از میان خود ترکمن‌ها برعهده دارند. استثناء دوم به غیر از ترکمان‌ها، قبایل عرب سنی هستند که در کنار حشد شعبی با داعش نبرد می‌کنند. چنانچه برآورد می‌شود بین ۴ تا ۷ هزار نفر از نیروهای قبیله‌ای سنی در جنگ با داعش نیروهای حشد شعبی را همراهی می‌کنند. به عنوان مثال گفته می‌شود در نبرد تکریت ۳ هزار نفر از نیروهای عملیات‌کننده در البواصیل و العلم از قبایل سنی بوده‌اند.

با این وصف، باید گفت معروف‌ترین قبایل سنی همراه حشد شعبی عبارت‌اند از ۹ قبیله الجبوری، حمدانی، لهیب، کویش، عیساوی، حبش، العبیدی، الشمر، الخزرج از تکریت، العزی از دیالی و ۱۰ قبیله الجوریفه، البونمر، البومهد، البوشهیب، ابوریشه، ابوذیاب، البوفرال، البوعیثه، البوعساف و البوفهد در کنار عشیره‌های کوچک دیگر گروه‌های مسلح سنی هستند که حشد شعبی را در نبرد با داعش یاری داده‌اند؛ همچنین گروه‌های مرجع شیعه حشد شعبی که سایر گروه‌های کوچک‌تر با آنان هم‌پیمان هستند شامل سازمان بدر، گردان‌های حزب‌الله عراق، عصائب اهل الحق، سرایا السلام و سپاه صلح هستند که گفته می‌شود، بین ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر را تحت فرماندهی خود دارند. این چهار گروه مرجع، در رده سازمان‌هایی قرار دارند که پیش از صدور فتوای آیت‌الله سیستانی در عراق دارای ساختار بودند اما برخی از آنان نظیر سازمان بدر در چهارچوب امور سیاسی به فعالیت می‌پرداختند.

البته محدوده فعالیت گروه‌ها، وابسته به استعداد نیروی انسانی آنها نیست. به عنوان مثال گردان‌های سیدالشهداء و گردان‌های امام علی در استان‌های مختلف عملیات

^۱ مشاور امنیت ملی دولت عراق و رئیس هیأت حشد شعبی که در شهریور ۱۳۹۷ توسط حیدرآبادی کنار گذاشته شد.

می‌کنند. این در حالی است که سازمان بدر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های عضو حشدشعبی، حوزه عملیات خود را به شمال بغداد محدود کرده است و سپاه صلح در کربلا و نجف حضور قوی‌تری دارند. «عصائب اهل الحق» علاوه بر حضور در این شهرها در کنار گردان‌های حزب‌الله عراق در بصره و المثنی نیز فعال است. ترکیبی از عرب‌های سنی، مسیحی‌ها، ایزدی‌ها و حتی کردهای فیلی در بسیج مردمی وجود دارند که علی‌رغم ایجاد برخی ناهماهنگی‌ها باعث ایجاد قدرت واکنش سریع در حشدشعبی می‌شود.^۱

علاوه بر چهار گروه مرجع شیعه، به عنوان بزرگ‌ترین اعضای حشدشعبی، ۳۸ گروه دیگر نیز به عنوان اعضای حشدشعبی وجود دارند. این در حالی است که استعداد کل نیروهای فعال و آماده به رزم حشدشعبی بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر است. معین الکاظمی، یکی از فرماندهان سابق بدر روز ۱۸ می ۲۰۱۵ و بعد از مطالبه «حیدرالعبادی» برای مداخله حشدشعبی در الانبار گفته بود که این ساختار قادر به جمع‌آوری ۱۰۰ هزار نیرو برای شرکت در عملیات پاکسازی این استان است، اما برخی گزارش‌های دیگر استعداد هسته اصلی این ساختار که شامل نیروهای با تجربه است را ۲۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند، که اسامی مهمترین آنها به شرح مندرج در جدول ذیل است:

جدول شماره ۱: فهرست برخی گروه‌های عضو در حشد شعبی به غیر از ۴ گروه مرجع

۱- سپاه خراسانی	۲- گردان‌های غضب	۳- تیپ یوم‌القائم
۴- گردان‌های سید الشهداء	۵- گردان‌های دفاع مقدس	۶- حزب‌الله السائرون
۷- گردان‌های امام علی (ع)	۸- گردان‌های روح‌الله	۹- تیپ منتظر
۱۰- جنبش نجیاء	۱۱- گردان‌های آزادگان عراق	۱۲- تیپ یوم‌الموعود
۱۳- حزب‌الله؛ مجاهدین در عراق	۱۴- گردان‌های جریان ناجی	۱۵- تیپ ابوفاضل
۱۶- گردان‌های شهید الاول	۱۷- تیپ مبارزان عباس	۱۸- سپاه وعده صادق
۱۹- سپاه عاشورا	۲۰- تیپ علی اکبر	۲۱- گردان‌های امام حسین (ع)
۲۲- گردان‌های انصار العقیده	۲۳- تیپ مرتضی‌الکرار	۲۴- گردان‌های امام غائب
۲۵- سپاه جهاد	۲۶- گردان‌های انصار الحجه	۲۷- قوای شهید صدر

* توضیحات موجود براساس دعای خود گروه‌هاست (آزاد، ۱۳۹۵: ۶۴-۴۰ با تلخیص و تصرف)

۱ با وجود حضور گروه‌های قومی و مذهبی دیگر در «حشد شعبی»، بیشتر نیروهای کرد و سنی مخلف آن، ترجیح می‌دهند نام آن را با عنوان «حشد الشیعه» صدا بزنند این موضوع به خصوص پس از ضربه سخت حشد شعبی به حکومت محلی اقلیم کردی در کرکوک بر سر موضوع همه پرسی، تشدید شده است.

توضیحات جدول:

۱. این گروه شاخه نظامی حزب الطلیعه الاسلامی است؛
۲. گردان‌های غضب توسط الحاج عبدالکریم العززی دبیر کل سازمان داخلی حزب الدعوه تأسیس شد؛
۳. لواء یوم القائم به کتائب الموت الاستشهادی معروف است؛
۴. این گروه از گردان‌های حزب‌الله عراق در بصره منشعب شده و اساساً برای جهاد در سوریه شکل گرفته است. گردان‌های سید الشهداء نیز در زمره گروه‌های شعبه تابع ولایت فقیه است؛
۵. گردان‌های دفاع مقدس توسط ابواسدالله العبودی تأسیس شده که تحت حمایت نوری المالکی قرار دارد؛
۶. حزب‌الله السائرون گروه دیگری است که همسو با حزب‌الله لبنان بوده و رحمن الجزایری دبیر کل آن است؛
۷. کتائب امام علی (ع) توسط حاج شبل ازیدی بنیان گذاشته شده که دارای رابطه نزدیکی با ابومهدی مهندس است؛
۸. الشیخ أبوطالب المیاحی مؤسس کتائب روح‌الله است و خود را تابع ولایت فقیه می‌داند؛
۹. تیپ منتظر به جندالمرجعیه هم مشهور است و توسط سید داغر الموسوی بنیان گذاشته شده که مشاور جلال طالبانی بوده و نزدیک به مجلس اعلا است؛
۱۰. شیخ اکرم الکعبی، مؤسس حرکه النجباء است که پیش از این در جیش المهدی بوده و پس از آن به عصائب اهل الحق پیوسته است؛
۱۱. کتائب الاحرار توسط شیخ عباس المالکی تأسیس شده و با کتائب روح‌الله همکاری نزدیک دارد؛
۱۲. تیپ یوم‌الموعود شاخه جیش المهدی محسوب می‌شود که فعالیت دوباره خود را بعد از اشغال تکریت آغاز کرده است؛
۱۳. حزب‌الله المجاهدین للعراق توسط عباس المحمداوی تأسیس شده است؛
۱۴. کتائب تیار الناجی توسط عدنان الشمیری سازماندهی شده او پیش از این عضو جیش المهدی بوده و از سوی ائتلاف قانون در پارلمان نیز نماینده بوده است؛

۱۵. این گروه در مسجد العباس کربلا اعلام وجود کرده و گفته می‌شود نزدیک به تیپ ابوالفضل العباس است؛
۱۶. مؤسس این گروه واثق الفردوسی است؛
۱۷. فرقه العباس القتالیه: ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴ برای حفاظت از عبتات مقدسه در کربلا شکل گرفت؛
۱۸. فیلق الوعد الصادق توسط الشیخ محمد حمزه التمیمی تشکیل شده که دبیر کل حرکه المستفدین الاسلامیه است؛
۱۹. سرایا العاشورا، گروهی است که گفته می‌شود توسط علی الموسوی، رهبری می‌شود؛
۲۰. لواء علی الاکبر: روز سوم ژانویه ۲۰۱۵ براساس فتوای آیت‌الله سیستانی مستقیماً از سوی عتبه حسینی شکل گرفت؛
۲۱. این گروه شاخه نظامی حرکه الرساله الاسلامیه است که از ولایت فقیه پیروی می‌کند؛
۲۲. انصارالعقیده توسط شیخ جلال‌الدین صغیر عضو مجلس اعلای اسلامی عراق تأسیس شده و با سپاه عاشورا همکاری نزدیک دارد؛
۲۳. لواء المرتضی وایسته به عتبه علوی در نجف است؛
۲۴. از انشعابات گردان‌های حزب‌الله عراق است؛
۲۵. سپاه جهاد شاخه نظامی حرکه الجهاد و بنا است که توسط حسن الساری، عضو پارلمان از فهرست مواطن شکل گرفته است؛
۲۶. این گروه توسط شیخ محمد الغنانی به عنوان شاخه نظامی حزب‌الدعوه تأسیس شده است؛
۲۷. قواه الشهید صدر گروهی است که گفته می‌شود توسط حزب‌الدعوه راه‌اندازی شده است؛

نقش مرجعیت و حوزه علمیه نجف در شکل‌گیری حشد شعبی

اگرچه آیت‌الله سیستانی به عنوان مرجع عالی قدر شیعیان در عراق هیچ منصب حکومتی ندارد، نمی‌توان ادعا کرد که وی به طور کلی از سیاست کنار کشیده است و هیچ کاری به امور سیاسی ندارد. البته این تصور که ایشان فراتر از حاکمیت است یا حاکمیت را

رها کرده است نیز صدق نمی‌کند. میانجی‌گری ایشان در درگیری میان اشغالگران امریکایی با جریان صدر در سال ۲۰۰۴، اعلام فتوای دفاع در مقابل افراط‌گرایان و تروریست‌ها در عراق در سال‌های پس از ۲۰۱۴ و تلاش برای تدوین قوانین بر مبنای اصول اسلام و عدم مغایرت قوانین با اصول اسلامی از مصادیقی است که این نکته مهم را تأیید می‌کند.

این مسئله که آیت‌الله سیستانی از امور سیاسی کنار کشیده و هیچ‌گونه دخالتی در این امور نداشته است، به نظر، تحلیلی دقیق و کارشناسانه نخواهد بود و دخالت‌ها و مواضع سیاسی ایشان پس از سقوط صدام، حاکی از این امر است.^۱ آنچه مسلم است آنکه مرجعیت شیعی عراق و به ویژه آیت‌الله سیستانی، نقشی مهم و تاریخی را در تکوین حاکمیت فعلی و مشارکت مردم در روند سیاسی ایفا نمودند. به همین سان، ایشان به مثابه «سوپاپ اطمینان» و مدافع حقوق و منافع ملت عراق، پیوسته خواستار احقاق حقوق مشروع ملت بوده است.

بدیهی است که پیشتر مرجعیت نقش بسیار بزرگی را در عدم سوق‌یابی کامل حکومت نوین شکل گرفته در عراق پس از سقوط صدام به سوی مبانی سکولاریسم و لیبرالیسم غربی ایفا کرد. همچنین، با قدرت، مردم را به صحنه سیاسی آورد و مقدمات مشارکت همگانی را با قاعده «هر عراقی، یک رأی» فراهم کرد؛ به گونه‌ای که نقشه‌های امریکایی‌ها را برای اداره عراق، نقش بر آب کرد (افشون، ۱۳۹۴: ۵).

در جریان تشکیل «حشد شعبی»، نیز صدور فتوای جهاد کفایی از سوی مرجعیت، علاوه بر اینکه، عظمت را به حوزه نجف اشرف بازگرداند، سبب منزلت بخشیدن به علما و مراجع و

^۱ . در این خصوص رئیس فراکسیون الموطن در پارلمان اظهار داشته است: "مرجعیت عالی دینی در مقاطع حساس و پیچ‌های سرنوشت ساز نقش مهم و تاثیرگذاری داشته اند و ایشان سوپاپ اطمینان و امنیت برای تمام گروه‌ها و اقشار مردم عراق هستند. مرجعیت دینی عراق مورد احترام همگان هستند و مواضع واقعا صادقانه ای داشته اند؛ به عنوان مثال مواضع ایشان در زمینه نگارش قانون اساسی و به همه پرسى گذاشتن آن برای حمایت از روند سیاسی و خاموش کردن آتش فتنه تاریخی. فتوای جهاد کفایی ایشان برای مقابله با گروه‌های تروریستی نیز نقش زیادی در نجات عراق از سقوط به دست این گروه‌های تروریستی داشت. مرجعیت دینی عراق در قبال موضوع همه پرسى اقلیم کردستان نیز توصیه‌های مهم داشتند و همه را به رجوع به قانون اساسی و دادگاه عالی در صورت بروز اختلاف فراخواندند." (منبع: گفتگو با «حامد الخضرى» رئیس فراکسیون «المواطن» در پارلمان عراق: "رئیس فراکسیون الموطن در گفتگو با مهر: حشدشعبی مانع تجزیه عراق شد/ نقش مرجعیت دینی در یکپارچگی عراق" جمعه ۵ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترس در سایت: www.mehnews.com/news/4125129).

اعطای جایگاه فرماندهی جهادی و میدانی ملت عراق در مواقع بحرانی شد. این موضوع به حدی بدیهی است که از این پس، علما و مراجع طراز اول عراق، نمی‌توانند از مسئولیت و نقش عظیم خود در موارد تهدید کشور، شانه خالی کنند.

به هر حال نقش مستقیم مرجعیت در ایجاد بسیج مردمی علیه تهدید جریان‌های سلفی - تکفیری، آغاز مرحله جدیدی در هدایت و رهبری جامعه است که بدان وسیله، مرجعیت می‌تواند با ابزار مستقیم مسائل مهم جامعه را با کمک مردم حل و فصل نماید. فتوای آیت‌الله سیستانی، در واقع تمام فواصل جغرافیایی و اجتماعی مردم از تمام قشرها را از میان برد و تمام مسلمانان و حتی پیروان سایر ادیان را در مقابل مسئولیت عظیم خود در مواجهه با تهدیدات قرار داد، به گونه‌ای که متفق القول جنگ علیه «داعش» را رقم زدند و افکار عمومی جهانی را به این درک رساندند که عملکرد «داعش» مغایر با عملکرد قالب کلی مسلمانان است و داعشی‌ها را سربازان و نیروهای استکبار، استعمار و استبداد معرفی کردند. در واقع فتوای مرجعیت نشان داد که نجف اشرف به همه ملت عراق، نگاه یکسانی دارند، و هیچ تفاوتی میان طوایف و بافت‌های آن نمی‌گذارند و فارغ از مسائل قومی، نژادی و مذهبی و در جهت مصالح ملی عراق حرکت می‌کند. مرجعیت در عراق بار دیگر همانند سال‌های دهه ۱۹۲۰م (که مبارزه با استعمار و جبهه همت مرجعیت آن زمان بود) نشان داد که «جدایی دین از سیاست» امکان‌پذیر نیست (عدنان عزیز، ۲۰۱۶: ۶۸).

با توجه به این اوصاف، جایگاه آیت‌الله سیستانی در جامعه، ناشی از چند عامل مشخص است که عبارت‌اند از: جایگاه حوزه علمیه نجف در عراق، به رسمیت شناخته شدن اعلامیت فقهی آیت‌الله سیستانی، و موضع‌گیری‌های مردم‌سالارانه ایشان در روند تحولات این کشور، مواضع اسلامی و مردم‌سالارانه ایشان که با پشتیبانی و رضایت نسبی تمام اقوام و پیروان مذاهب مختلف طی سال‌های ۲۰۰۵ - ۲۰۰۳ همراه شد، و ایشان را به الگویی بی‌بدیل تبدیل ساخت و همچنین اشغالگران را وادار ساخت تا در انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی، پیشنهادهای ایشان را دخیل نمایند (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۲).

قواعد و رویه‌های حاکم بر عملکرد حشد شعبی

انسان‌ها به طور ذاتی دوستدار آزادی، عدالت، حرمت و کرامت هستند و هر عاملی که به این ارزش‌ها خدشه وارد کند، با واکنش و خیزش فطری مواجه خواهد شد. در این خصوص اسلام برای چگونه رفتار کردن با ملت‌ها و دولت‌های دیگر اصولی وضع کرده که از

قرآن و سنت اخذ شده است. این اصول که همان سیاست خارجی اسلام هستند، مفاهیمی همچون ظلم‌ستیزی، نفی سبیل، عدم سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، وفای به عهد و پیمان، حفظ عزت و کرامت، دعوت و جهاد را دربرمی‌گیرند. از متن این اصول می‌توان مبانی اندیشه و رفتار حشدشعبی در چهارچوب دیپلماسی نهضتی را استخراج کرد:^۱

الف) اصل ظلم‌ستیزی و نفی سبیل: این امر مسلمانان و به خصوص شیعیان را که بر اصل نفی سبیل^۲ به معنای نپذیرفتن استکبار و سلطه کافران تأکید دارند، بر آن می‌دارد که هرگز سلطه و استکبار کافران را بر خود نپذیرند و در مقابل آن ایستادگی کنند. به این ترتیب ظلم‌ستیزی و عدم پذیرش استکبار و استعمار یکی از ریشه‌های دیپلماسی نهضتی محسوب می‌شود و وعده پیروزی مظلوم بر ظالم و حق علیه باطل را پشتوانه خود قرار می‌دهد.

ب) اصل عدالت‌خواهی: امروزه به دلیل فقدان عدالت و مساوات در وجوه مختلف نظام بین‌الملل، صلح و امنیت رخت بر بسته است. در چنین وضعیتی اسلام به عنوان یک مکتب جامع، در مقام تعریف الگوی رفتاری در عرصه خارجی بر اصلی متفاوت تأکید دارد که بنیاد آن را «مساوات حکمی» شکل می‌دهد. منظور از مساوات حکمی جریان یافتن قواعد بین‌المللی برای بازیگران مسلمان و غیرمسلمان به شکل واحد است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۱۰). اگرچه دولت‌های اسلامی که به عنوان بازیگر و عضو رسمی جامعه بین‌الملل وجود دارند، برای رفع این معضل اقدامات زیادی انجام داده‌اند، اما تاکنون نتیجه مطلوبی نگرفته‌اند؛ زیرا این دولت‌ها در مقابله با بی‌عدالتی‌ها صرفاً بر اساس منافع ملی خود عمل کرده‌اند؛ در حالی که جنبش‌ها و نهضت‌های اصیل اسلامی، حمایت از سایر مسلمانان فراتر از مرزهای ملی خود را نیز مد نظر دارند.

ج) اصل عزت و کرامت: انسان جدا از هر گونه رنگ و زبان، دین و آیینی دارای عزت و کرامت است. در این بین اسلام تأکید زیادی بر حفظ عزت و کرامت انسانی دارد و مطابق آن، مسلمانان باید در روابط با دیگران مدافع عزت و کرامت خود و سایر انسان‌ها باشند. بر این اساس با توجه به آنکه کمال و سعادت انسان هدف نهایی اسلام است، کرامت انسانی به

^۱ این قسمت با تلخیص و تصرف از منبع ذیل اخذ شده است: شعیب بهمن و علی کاظم خانلو، «دیپلماسی بر دیپلماسی نهضتی»،

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۶۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۷۸ - ۷۵.

^۲ چنان که در قرآن کریم آمده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء/۱۴۱).

عنوان یکی از ارکان نظریه رویکرد اسلامی به صلح و امنیت، مطرح است؛ به این معنا که نحوه مناسبات بین‌المللی و الگوهای امنیتی نباید به‌گونه‌ای باشد که عزت و کرامت انسانی به مخاطره افتد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۲۴).

د) اصل دعوت: دعوت به معنای ترغیب مخاطب به اصول و ارزش‌های مد نظر از طریق اقناع است. در حکومت پیامبر اکرم(ص) به قصد دعوت به اسلام، سفیرانی به کشورهای حبشه، ایران و روم فرستاده شدند. علاوه بر این، افرادی که آموزه‌های اسلام را بهتر فهمیده بودند، به مناطق همجوار اعزام می‌شدند تا مردم را به اسلام ترغیب کنند. دعوت ملتها و جوامع دیگر به رو آوردن و پذیرش ارزش‌ها و تعالیم اسلام، یکی از وظایفی است که مسلمانان باید انجام دهند.

ه) اصل جهاد: اگرچه معمولاً مفهوم جهاد به منزله مبارزه فیزیکی تلقی می‌شود، اما دارای ابعاد مختلفی است. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «جهاد بر چهارپایه استوار است: امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در هر حال و دشمنی با فاسقان» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱). در واقع جهاد اسلامی، وسعتی به اندازه تمام نیت خوب و انسانی دارد که از تلاش برای ابراز ناراحتی از یک عمل زشت و ناحق تا حضور در جبهه جنگ علیه ظالمان و ستمگران را شامل می‌شود.

نمودار شماره ۱: اصول حاکم بر فعالیت‌های بسیج مردمی



دستاوردهای حشد شعبی

بسیج مردمی عراق توانست با پیروزی‌های خود، نقشه‌های شوم دشمن برای تقسیم کشور را از بین ببرد و امروز به بازوی قدرتمند ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی تبدیل شده است. با توجه به تغییر یافتن «حشد شعبی» به بازیگری کلیدی در عرصه نظامی و امنیتی عراق در طول چند سال اخیر، تبلیغ و حفظ دستاورد این نیروها، از اهمیت خاصی برخوردار شده است. در این خصوص می‌توان به برخی عوامل و فاکتورهایی که در سهولت کسب دستاوردهای حشد شعبی تأثیر به‌سزایی داشته است، اشاره کرد. از جمله آنها عبارتند از: قدرت و انگیزه بالا برای مقابله با داعش و ایجاد امنیت در مقایسه با سایر نیروهای حاضر در صحنه نظامی - امنیتی عراق؛ تداوم احتمالی نامنی و نقش گروه‌های منحرف شیعی و افراطی سنی در عراق و در نتیجه نیاز طولانی مدت به حشد شعبی؛ کسب تجارب و خبرگی تدریجی حشد شعبی؛ پایه‌ها و حمایت‌های مردمی و عقیدتی از حشد شعبی؛ پیوندها و تعامل‌های سیاسی حشد شعبی با سایر نیروهای سیاسی عراق؛ پیوند حشد شعبی با شبکه نیروهای مقاومت اسلامی در منطقه و تأکید بر اصل داوطلبانه بودن.

با توجه به اوصاف یاد شده، مسلم است که حشد شعبی با تمرکز بر «امنیت مردم پایه» دستاوردهای بسیاری در مقایسه با سایر نیروهای به اصطلاح «در حال مبارزه با تروریسم» حاضر در عراق کسب کرده است. این دستاوردها، مشابهت زیادی با پیروزی‌های سایر جریان‌ها و گروه‌های مقاومت یا همسو با مقاومت در راستای مبارزه با تروریسم، صهیونیسم و استبداد داشته است. از این رو، می‌توان عملکرد حشد شعبی را با عملکرد حزب‌الله در لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین اشغالی و انصارالله در یمن در یک چهارچوب یادآوری کرد.

همچنین از آنجایی که نقش، اهمیت و جایگاه نهضت‌های آزادی‌بخش، به ویژه اسلامی در راستای عمق‌بخشی به گفتمان مقاومت بر کسی پوشیده نیست؛ بنابراین در چهارچوب «دیپلماسی نهضتی»، فعالیت‌ها و دستاوردهای حشد شعبی قابل بررسی و ارزیابی است. براساس مبانی «دیپلماسی نهضتی»، قواعد آن نیز بر فعالیت‌های حشد شعبی در عراق حکم‌فرما بوده است.

در اینجا نگاهی کوتاه به برخی پیروزی‌ها و دستاوردهای حشدشعبی، موضوع را بیش از پیش روشن خواهد نمود:

براساس اعلام هیئت حشدشعبی، این سازمان نوپا که بنیان آن را «بسیج نیروهای داوطلب مردمی» تشکیل می‌دهد، از بدو تشکیل تا آذر ۱۳۹۴، طی ۵۵۰ روز نبرد مستمر در دو عملیات بزرگ لبیک یا رسول‌الله (ص) ۱ و ۲، نوزده شهر و پنجاه و یک روستا به مساحت ۱۷۵۰۰ کیلومتر مربع را از کنترل داعش خارج کرد. این میزان، معادل یک سوم اراضی اشغال شده توسط داعش در عراق بود. محدوده یاد شده، شامل دو حوزه نفتی عجیل و علاس نیز بود که داعش معادل بیست هزار بشکه نفت از پنجاه هزار بشکه نفت استحصال روزانه خود را از آن استخراج می‌کرد و با احتساب قیمت فروش متغیر بین ۱۰ تا ۲۵ دلار برای هر بشکه، ماهانه بین ۶ تا ۲۱ میلیون دلار درآمد کسب می‌کرد؛ بنابراین حشدشعبی، در این مدت موفق به قطع تقریباً نیمی از درآمد نفتی داعش شده بود.

«حشدشعبی، همچنین تا اسفند ۱۳۹۴، طی عملیات امام هادی (ع) نیز مساحتی معادل پنج هزار کیلومتر مربع از اراضی صلاح‌الدین و ثرثار را از سیطره داعش خارج کرد که ۶۴ منطقه راهبردی شامل سه انبار بزرگ مهمات ارتش عراق در محدوده آن قرار داشت؛ در نتیجه، می‌توان گفت که حشدشعبی توانست راه ارتباطی داعش در بین دو استان نینوا و صلاح‌الدین را قطع کند» (آزاد، ۱۳۹۵: ۸۴).

همچنین حشدشعبی، در جریان عملیات‌های بزرگ جرف‌الصحرا [جرف‌النصر]، آمرلی، فلوجه و آزادسازی موصل و عملیات حفظ وحدت سرزمینی عراق در پاییز ۱۳۹۶ در کرکوک و حومه، نقش بی‌بدیلی را در امنیت‌آفرینی برای جامعه و حاکمیت عراق ایفا کرده است. همین دستاوردهای عظیم، سبب شده تا برخی بازیگران دخیل عراق (اعم از داخلی و خارجی)، عملکرد و فعالیت‌های این «جریان مردم پایه» را به زیان خود ارزیابی کنند^۱ که در ادامه در چهارچوب چالش‌های حشدشعبی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

البته دستاوردهای حشدشعبی صرفاً به امور نظامی - امنیتی محدود نمی‌شود بلکه

^۱ برخی از رسانه‌های عراقی همسو با حشد شعبی، سیاستمداران و شخصیت‌های سیاسی مخالف حشد شعبی را «داعشی‌های سیاسی» می‌نامند. در همین راستا «شیخ اکرم الکعبی»، دبیر کل جنبش نجبا می‌گوید که تصویب قانون حشد شعبی و الحاق آن به بدنه نظامی کشور فقط یک دسته از عراقی‌ها را ناراحت کرد و آن هم داعشیان سیاسی که می‌خواستند اوامر استکبار را در کشور اجرا نمایند.

می‌تواند در امور فرهنگی - اجتماعی، نوعی وحدت کلمه را میان طیف‌های مختلف جامعه عراق در راستای پیشرفت و توسعه اقتصادی نیز ایجاد نماید که سیاست‌گذاری سیاستمداران و دولتمردان عراقی در این زمینه، نیاز و ضرورتی انکارناپذیر است. به علاوه بررسی نتایج انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که افکار عمومی عراق به آن اقبال دارد.

چالش‌های «حشدشعبی»

باید به این نکته هم توجه داشت که «حشدشعبی» با یک سری موانع در جهت ادامه اقدامات خود مواجه است که در پی خواهد آمد. از یک سو، تاکتیک‌های به کار گرفته شده از سوی داعش تا حدی به کند شدن حرکت نیروی‌های حشدشعبی و افزایش شمار تلفات انسانی آن منجر شده است. داعش با کار گذاشتن تله‌های انفجاری، بمب‌گذاری ساختمان‌ها، بمب‌گذاری کنار جاده‌ای، مین‌گذاری، انفجار پل‌ها و حفرتونل، ایجاد خاکریزها و ... سبب کاهش سرعت پیشرفت نیروهای حشدشعبی شده بود. از سوی دیگر، نیروهای بین‌المللی از جمله آمریکا و عرب‌های سنی عراق حاضر نیستند نیروهای حشدشعبی را به رسمیت بشناسند. سیاستمداران سنی عراق به شدت مخالف مشارکت و حضور نیروهای حشدشعبی در عملیات آزادسازی موصل از دست داعش بودند؛ همچنین در حملات هوایی ائتلاف به رهبری ایالات متحده در عملیات آزادسازی تکریت، این کشور ادامه حملات هوایی را با این شرط پذیرفت که نیازی به هماهنگی با نیروهای حشدشعبی نباشد. آمریکا، جدای از این که ملاحظاتی درباره پیروزی بسیج مردمی عراق دارد، به دلایل سیاسی نمی‌خواهد که تماس مستقیم با این نیروهای مردمی داشته باشد؛ به همین جهت عملیات‌هایش را تنها با ارتش عراق در وزارت دفاع این کشور هماهنگ می‌کند. با وجود این دشواری‌ها و علی‌رغم مخالفت اعراب سنی و کردها با نقش پر رنگ حشدشعبی در عرصه سیاسی عراق، اما واقعیت این است که همین نیروهای حشدشعبی در آینده، بدون تردید بنیان‌های ارتش جدید عراق را تشکیل خواهند داد. همین نیروها هستند که می‌توانند در آینده مبانی ایجاد یک ارتش مدرن و متعهد را در عراق پس از داعش ایجاد نمایند.

به هر حال، نیروهای متبوع حشدشعبی، با برخی چالش‌ها و موانع نیز در آینده روبرو خواهند بود که عمده‌ترین آنها عبارتند از: مخالفت و احساس نگرانی برخی گروه‌های سیاسی سنی مانند اکراد و سنی‌ها از حشدشعبی؛ مخالفت آمریکا و کشورهای عربی با

افزایش نقش حشدشعبی^۱؛ تعارضات ساختاری حشدشعبی با نیروهای نظامی و امنیتی رسمی عراق؛ مشکلات ساختاری و چنددستگی درونی حشدشعبی؛ تداوم مشکلات تسلیح و مالی حشدشعبی؛ ناهمگونی نیروهای حشدشعبی به لحاظ سطح و میزان کارایی نظامی؛ مبهم بودن وضعیت قانونی و حقوقی حشدشعبی در عراق.

به عبارت بهتر، عوامل متعددی در راستای تضعیف یا کاهش نقش حشدشعبی وجود دارند که اهم آنها را می‌توان به صورت خلاصه، در موارد ذیل مورد اشاره و دسته‌بندی قرار داد:

الف) ایالات متحده آمریکا و پروژه ضد حزب‌الله سازی در عراق

آنچه مسلم است آنکه ایالات متحده آمریکا به مثابه مدعی «مبارزه با تروریسم»، همواره در عراق و منطقه غرب آسیا، نقشی دوپهلوی و دوگانه داشته و ضمن تقویت تروریست‌های سلفی - تکفیری، مدعی مبارزه با آنها نیز بوده است. از این رو می‌توان گفت که استراتژی این بازیگر، «استمرار منازعه» معطوف به مدیریت بحران بوده است.

بر این اساس، در خصوص حشدشعبی، سیاست این کشور در راستای تقابل با «نقش و نفوذ رویکرد امنیت مردم پایه» قرار گرفته و به شدت در پی کنترل، نظارت و محدودسازی نقش حشدشعبی در عراق است. با این اوصاف، باید گفت که از لحاظ ماهیت و عملکرد، حشدشعبی، اساساً یک ساختار متعارض با رویکرد ایالات متحده به شمار می‌آید و به زعم آمریکایی‌ها، طبیعتاً در جایگاه پیشبرنده اهداف جمهوری اسلامی ایران، نقش‌آفرینی می‌نماید، از این رو، امریکایی‌ها آن را دشمن و تهدید فرض می‌کنند و براین باورند که این تشکل در آینده، منافع و امنیت آمریکا و رژیم صهیونیستی را تهدید می‌نماید.

ایالات متحده آمریکا تاکنون از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به حشدشعبی در عراق فروگذار نکرده است. به عنوان نمونه در جریان عملیات آزادسازی شهر الرمادی، واشنگتن ارائه کمک به دولت بغداد در نبرد با داعش را به عدم مشارکت حشدشعبی در این عملیات،

^۱ . در این خصوص یکی از شخصیت‌های وابسته به مجلس اعلا در فراکسیون الموطن در پارلمان اظهار داشته است: "تلاش برای اتهام زدن به قهرمانان حشد شعبی امری طبیعی است. زیرا حشد شعبی در ممانعت از تجزیه کشور و کسب پیروزی در برابر تروریسم نقش داشت. حشد شعبی در بیرون راندن داعش و نابودی آن و همچنین خنثی کردن نقشه دشمنان عراق در سال ۲۰۱۴ مشارکت داشته است." (منبع: گفتگو با «حامد الخضری» رئیس فراکسیون «المواطن» در پارلمان عراق: " رئیس فراکسیون الموطن در گفتگو با مهر: حشدشعبی مانع تجزیه عراق شد/ نقش مرجعیت دینی در یکپارچگی عراق" جمعه ۵ آبان ۱۳۹۶، قابل دستیابی در سایت: <https://www.mehrnews.com/news/412512>

منوط کرد. این در حالی است که مواضع حشد شعبی بارها مورد هجوم جنگنده‌های ارتش آمریکا قرار گرفته است. از همین روی، پر واضح است که آمریکایی‌ها که در واقع، از عوامل اصلی پیدایش و گسترش داعش هستند، از مشروعیت و محبوبیت حشد شعبی و تصویب قانون به سود آن ناراضی بوده و آن را نوعی شکست برای خود تلقی می‌کنند.

با توجه به شواهد و قرائن موجود، اکنون ایالات متحده آمریکا، سیاست‌های خود را در قبال حشد شعبی طراحی کرده و در صدد اجرایی نمودن آن است، نتیجه این سیاست‌ها، سوق یافتن کاخ سفید و پنتاگون به سمت برقراری موازنه بین نیروهای سنی، کرد و شیعه و در صورت امکان تغییر موازنه سیاسی در حکومت عراق به زیان شیعیان همسو با ایران است؛ همچنین جدایی و انفکاک میان حکومت عراق و محور مقاومت در دستور کار آنها قرار دارد.

در این راستا، علاوه بر طرح سناتور «توربنری» مبنی بر گذاشتن قیودی در اختصاص بودجه نظامی - آموزشی به شیعیان و اختصاص بی قید و شرط آن به نیروهای پیشمرگه و عرب سنی، از ۱۷ مرداد ۱۳۹۳ تا ۳۰ فروردین ۱۳۹۵، نیروهای ائتلاف به اصطلاح ضد داعش، ذیل مدیریت فرماندهی مرکزی وزارت دفاع آمریکا در چهار پایگاه مشترک و دو پایگاه ویژه در بغداد، یک پایگاه در اربیل، یک پایگاه در الانبار (الاسد) و اردوگاه‌های تاجی و بسمایا، ۲۰۲۱۵ نفر از نیروهای عراق (عرب سنی و کرد) را آموزش داده بودند و ۳۸۷۲ نفر دیگر را تحت آموزش خود داشتند (آزاد به نقل از: خبرگزاری ایلاف، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵، با تلخیص و تصرف).

به نظر می‌رسد در این راستا مسئولان و نهادهای امریکایی تلاش خواهند کرد تا ضمن نفوذ در حشد شعبی و جذب برخی افراد، بر فعالیت و عملکرد این تشکل، به طور مستقیم نظارت کرده و نفوذ خود را گسترش دهند، ضمن اینکه تاکنون در عملیات‌های متعدد، نیروهای حشد شعبی را هدف حمله خود قرار داده‌اند و به نیروهای سلفی - تکفیری خدماتی ارائه داده‌اند.

ب) چالش‌های ساختاری - حقوقی

قانون حشد شعبی یا به اصطلاح بسیج مردمی، علی‌رغم اینکه دستاوردی بزرگ به شمار می‌رود لیکن احتمال اینکه در آینده چالش‌هایی را ایجاد نماید، بسیار است. از این رو بررسی این دو جنبه به صورت همزمان در این جا ضروری است. بدیهی است که در نگاه اول تصویب این قانون فرصتی بی نظیر به شمار می‌رود.

قانون حشدشعبی با استناد به بند اول از ماده ۶۱ و بند سوم از ماده ۷۳ قانون اساسی عراق در اواسط پاییز ۱۳۹۵ به تصویب پارلمان عراق رسیده و در واقع دستاورد عظیمی برای جامعه عراق به شمار می‌رود. به هر حال، مرجعیت شیعی در صدد بود تا در مرحله زمانی پسدادش - و به ویژه پس از فتح موصل - به تشکل حشدشعبی، صبغه‌ای قانونی نیز ببخشد.

دکتر «علی رمضان الاوسی»، مدیر مرکز مطالعات جنوب عراق در مصاحبه‌ای به تشریح تأثیرات تصویب قانون عراق در قانونی شدن حشدشعبی پرداخته و بر این باور است که تروریست‌ها به کمک حشدشعبی از عراق اخراج خواهند شد.

وی در ادامه می‌گوید: «البته تبدیل شدن حشدشعبی به نهادی قانونی موضوع جدیدی نبوده و از همان زمانی که حشدشعبی تشکیل شد همواره این موضوع مطرح بود که چگونه آینده افراد و خانواده‌های کسانی که به عضویت این نیروها در می‌آیند تضمین شود. از سوی دیگر از زمانی که پل برمر، حاکم نظامی آمریکا در عراق، ارتش این کشور را منحل کرد، از آن زمان عراق به دنبال ایجاد نیرویی واقعی در این کشور بود که پس از سال‌ها حشدشعبی، ثابت کرد می‌تواند به عنوان یک نیروی واقعی باشد که می‌تواند پیروزی‌هایی را در مقابل داعش به دست آورد و شاهد آن بودیم که حشدشعبی توانست داعش را در صلاح‌الدین و در الانبار و در تکریت و در آینده در موصل شکست دهد و سرانجام شاهد آن خواهیم بود که تروریست‌ها از عراق به کمک نیروهای حشدشعبی و به طور کلی به دست نیروهای نظامی عراقی اخراج خواهند شد» (خبرگزاری تسنیم، ۱۰ دی ماه ۱۳۹۵).

اما مشکل و چالش عمده اصلی این قانون، به بحث دولتی شدن یا به تعبیر دیگر، تبعیت این نیروها از شخص نخست‌وزیری یا فرماندهی کل نیروهای مسلح برمی‌گردد. به موجب این قانون، همه دستورات در همه زمینه‌ها، به نخست‌وزیر محول شده است. سؤال جدی این است که اگر نخست‌وزیر در آینده، فردی سکولار یا بعثی بود، تکلیف چه خواهد شد؟ و سؤال دیگر آنکه، مرجعیت که مهمترین نقش را در تشکیل این نیرو داشت، در آینده، چه جایگاهی در این تشکل خواهد داشت؟

موضوع مهمتر، حق تصمیم‌گیری و جابه‌جایی نیرو است که بایستی با هماهنگی نهادهای نظامی، امنیتی (وزارت دفاع) و تحت اشراف نخست‌وزیر باشد؛ به‌گونه‌ای که نخست‌وزیران بعدی می‌توانند مصوبات نخست‌وزیران قبلی را ملغی نمایند. علی‌رغم اینکه در

سپتامبر ۲۰۱۵، حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق اعلام کرد که گروه‌های حشد شعبی بخشی از نیروهای حکومتی هستند، ولی در حال حاضر نیز حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق با «اتخاذ سیاست دوری از محاور»، نسبت به نقش فراسرزمینی نیروهای حشد شعبی ملاحظات جدی دارد. در همین راستا، وی در کنفرانسی مطبوعاتی در بغداد گفت: «اگر برخی از نیروهای مسلح عراقی در سوریه می‌جنگند، این نشان دهنده موضع دولت و سیاست عراق نیست. ما از نیروهای «حشد شعبی» می‌خواهیم به قانون، حاکمیت عراق و کشورهای همجوار احترام گذاشته و در امور دیگر کشورها مداخله نکنند. ما نمی‌خواهیم در درگیری‌های منطقه‌ای دیگری غرق شویم بلکه ما در عراق تلاش کردیم تا از درگیری منطقه‌ای و طایفه‌ای دور باشیم و با تمامی کسانی که علیه تروریسم می‌جنگند، همکاری کنیم»^۱ (خبرگزاری ایسنا، به نقل از پایگاه اینترنتی روز نو، ۸ دی ماه ۱۳۹۵). نکته مهم دیگر، کمیت و کیفیت مشارکت این نیروها در روند سیاسی است که تاکنون مخالفت‌های زیادی را از جانب رقبای سیاسی آنها در پی داشته است.

(ج) بازیگران داخلی دخیل (اکراد و اعراب سنی)

اکراد و اعراب سنی به ویژه طیف پارتی به رهبری بارزانی و برادران النجیفی (در فهرست الحدباء و القرار)؛ همچنین بعثی‌ها و سکولارهای عراق، در واقع فعالیت و عملکرد حشد شعبی را به زیان خود ارزیابی می‌کنند؛ به گونه‌ای که در رسانه‌های خود، همسو با دولت‌مردان سعودی و قطری، آن را حشد شعبی می‌نامند.

بخشی از اهل سنت عراق، که سهمی در تشکل حشد شعبی ندارند و از آنجایی که نمی‌توانند در چهارچوب موازین حقوقی - قانونی نیز خلأ سهم خود را از حشد شعبی پر نمایند، همواره در جهت ضدیت و چالش‌آفرینی حرکت کرده‌اند. برادران النجیفی در موصول از آن جمله‌اند که در مقابل حشد شعبی، حشد الوطنی را تأسیس کرده‌اند.

اکراد نیز حضور و فعالیت حشد شعبی را به ویژه در مناطقی که بر سر آن میان

^۱ در واقع خطاب این گونه اظهارات به برخی شخصیت‌ها و رهبران حشد شعبی است که برای مبارزه با تروریسم و به ویژه داعش خارج از مرزهای عراق، اعلام آمادگی کرده‌اند. در همین زمینه، «ابو مهدی المهندس» نایب رئیس حشد شعبی عراق، که پیشتر در خصوص این موضوع اظهاراتی داشته بود، بار دیگر در اظهاراتی تأکید کرد که امیدواریم که نبردها در سوریه قبل از آزادسازی موصل به پایان برسد و گرنه نیاز است که ما به عنوان بسیج مردمی عراق وارد سوریه شویم. (منبع: خبرگزاری مهر، «ابومهدی المهندس: احتمال حضور حشد شعبی در سوریه وجود دارد»، سه‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۵ قابل دسترسی در سایت: <http://www.mehrnews.com/news/3867910>

طیف‌های عمده عراق (اکراد، اهل سنت و شیعیان) اختلاف وجود دارد، مانعی برای رسیدن به اهداف خود ارزیابی می‌کنند و هم در جهت کارشکنی گام‌هایی برداشته‌اند. درگیری‌های آنها در مناطقی نظیر روستاهای بشیر، طوزخورماتو؛ همچنین مناطقی از کرکوک با حشد شعبی، مؤید این ادعاست.^۱

د) سایر بازیگران دخیل غیر همسو

در راستای تخریب وجهه و ناکارآمد نشان دادن حشدشعبی، دولتمردان سعودی و قطری و برخی از کشورهای عرب همسو با آنها نظیر اردن و امارات متحده عربی نیز علاوه بر فعالیت‌های رسانه‌ای و عملیات روانی در جهت کاهش نقش و نفوذ حشدشعبی، از اظهارات رسانه‌ای و اقدامات عملی در این راستا، چیزی فروگذار نکرده‌اند.

مشارکت حشدشعبی در اکثر عملیات‌های سرنوشت‌ساز، نگرانی شدید رسانه‌های سعودی و متحدان آنها را به دنبال داشته است، این رسانه‌ها با تکیه بر طرف‌های همسو با خود در داخل عراق، تخریب وجهه نیروهای داوطلب مردمی و ایجاد رعب و وحشت از این نیروها در میان افکار عمومی به ویژه اهل سنت را تشدید کرده‌اند و به دروغ القا می‌کنند که این نیروها طایفه‌ای هستند.

رژیم سعودی که مروج ایدئولوژی وهابیت بوده و به حمایت از تعداد زیادی از گروه‌های تروریستی در سراسر جهان شهره است، طی حدود یک سال گذشته با طرح ادعاهای واهی علیه حشدشعبی، تمام تلاش خود را به کار بست تا چهره این گروه در نزد افکار عمومی عراق و منطقه را خدشه‌دار کند. تلاش‌های رژیم سعودی علیه حشدشعبی و دخالت در امور داخلی عراق از طریق «ثامر السبهان»، سفیر این رژیم در بغداد، تا جایی پیش رفت که دولت عراق رسماً از ریاض خواست تا سفیر دیگری را جایگزین وی کند؛ بنابراین، در حال حاضر عربستان سعودی از جمله طرف‌های خارجی است که تصویب قانون حشدشعبی به مذاق آن خوش نیامده است و به همین دلیل، امکان دارد در آینده موضعی را علیه بغداد اتخاذ کند.

اقدامات و اظهارات «ثامر السبهان»، سفیر سعودی در عراق گویای این وضعیت است.

^۱ . درگیری‌ها در شهر طوزخورماتو، به کشته و زخمی شدن چندین تن از نیروهای دو طرف انجامید و باعث شد که نیروهای حشد شعبی و پیشمرگه‌های کرد با ادوات سنگین خود در مقابل هم صف بندی کنند و برای اولین بار تا این حد به یک جنگ تمام عیار نزدیک شوند، که البته با ورود مستقیم رهبران عراقی و امضای یک توافقنامه آتش‌بس فروکش کرد.

وی بارها، حشد شعبی را نیرویی ایرانی - و نه عراقی - (!؟) خوانده بود. به دلیل دخالت‌های مکرر سفیر سعودی در امور داخلی عراق به ویژه مسائل مربوط به حشد شعبی، دولتمردان عراقی خواهان تغییر وی شدند (پایگاه خبری / تحلیلی انتخاب، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵). السبهان، در اظهاراتی حتی مدعی شد که شبه نظامیان شیعه برای «ترور وی» با حمایت جمهوری اسلامی ایران، تلاش‌هایی داشته‌اند.

در همین راستا، «عادل الجبیر»، وزیر امور خارجه عربستان سعودی نیز نیروهای داوطلب عراق که تحت عنوان «حشدشعبی» برای مبارزه با داعش تشکیل شد را یک تشکل فرقه‌ای دانست که به فرمان ایران فعالیت می‌کند. الجبیر در نشست خبری مشترک با «ناصر جوده»، وزیر امور خارجه اردن در ریاض، مدعی شد: «حشد شعبی، در آینده عراق یکپارچه، جایی نخواهد داشت» (خبرگزاری ایسنا، ۷ شهریور ۱۳۹۵).

آنچه مسلم است اینکه با توجه به تضاد ماهیتی در نظام سیاسی سعودی و عراق در وضعیت فعلی، دولتمردان سعودی ضمن اینکه از ابزار خود ساخته و موهومی با عنوان «تعمیم اهل سنت توسط حاکمیت عراق» سخن می‌رانند، آمریکایی‌ها را نیز در «دادن عراق در سینی طلایی» به جمهوری اسلامی ایران مقصر می‌دانند و اکنون حشدشعبی را بازوی جمهوری اسلامی ایران در عراق ارزیابی می‌کنند (عادل محمد، ۲۰۱۵: ۲۱۸ - ۱۸۱).

رسانه‌های سعودی نیز که سابقه‌ای دیرینه در خبرسازی و وارونه نمودن اخبار و واقعیت‌های کشورهای منطقه به ویژه عراق و سوریه در راستای سیاست‌های ویرانگر و فتنه‌افکنانه آل سعود دارند، از هنگام تشکیل نیروهای داوطلب مردمی بنا به فتوای مرجعیت عالی شیعیان، مهمترین هدف خود را تخریب وجهه این نیروها و در نهایت شعله‌ور کردن آتش فتنه مذهبی میان شیعیان و اهل سنت عراق قرار داده‌اند که البته تا کنون به دلیل هوشیاری ملت عراق و وجود مرجعیتی آگاه و بصیر همچون شخص آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی و دیگر مراجع بزرگ شیعه و علمای آگاه اهل سنت، این توطئه‌ها با شکست روبرو شده است، با این حال رسانه‌های سعودی همچنان بر این رویکرد مخرب و ویرانگر خود و البته مداخله‌جویانه در امور عراقی‌ها اصرار می‌ورزند.

اکنون نحوه خبرسازی درباره عراق از سوی رسانه‌های سعودی و تلاش برای القای مردمی نبودن نیروهای داوطلب مردمی و حتی ادعای این که این نیروها هیچ تعصب و

دل بستگی به میهن‌شان ندارند، بیش از همه وحشت سعودی‌ها را از تأثیرگذار بودن نیروهای داوطلب مردمی و قریب الوقوع بودن پیروزی بر تروریست‌های تکفیری مورد حمایت آنها نشان می‌دهد.

خط خبری رسانه‌های سعودی نشان‌دهنده عزم حامیان اصلی تروریست‌های تکفیری در عراق برای شعله‌ور کردن آتش فتنه مذهبی میان ملت عراق و بدبین کردن اهل سنت و کرد به نیروهای جان برکف مردمی است که هر چند بیشتر آنها را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما در این نیروها، حتی از مردم اهل سنت و مسیحی هم حضور دارند. جوسازی و دروغ‌پراکنی رسانه‌های حامی تکفیری‌ها در حالی است که نیروهای داوطلب مردمی در نبردهای گذشته به ویژه در تکریت و فلوجه نشان دادند که هرگز طایفه‌ای نیستند و حامی اصلی اهل سنت هستند، نیروهایی که با عبور از مرزهای طایفه‌گری، به ندا و فریاد کمک‌خواهی اهل سنت در صلاح‌الدین و رمادی پاسخ مثبت داده و جان خود را برای نجات آنها از شر تروریست‌های سلفی - تکفیری، بعثی و وهابی به خطر انداخته‌اند. آرای قابل توجه کاندیداهای وابسته به «حشدشعبی» در این مناطق در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸، موید حمایت اهل سنت از «حشدشعبی» در راستای آزادسازی سرزمین‌هایشان است.

نگاهی به کارنامه ائتلاف ضد داعش و ناکامی آمریکا در تأمین امنیت عراق

ساختار ناتوان نظامی - امنیتی و سیاسی چیده شده از سوی اشغالگران پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، در واقع زمینه‌ساز اوضاع و شرایطی شد که ضمن اینکه دولت عراق را واجد خصلت ورشکستگی^۱ می‌نمود، حاکی از عدم اراده جدی نیروهای اشغالگر بیگانه برای پایان دادن به بحران‌های امنیتی عراق و مبارزه با تروریسم نیز بود. تأکید مسئولان و شخصیت‌های مختلف عراقی به استثنای معدودی از طرف‌های همسو با آل سعود بر اهمیت نقش نیروهای داوطلب مردمی در پاکسازی عراق از لوٹ تروریسم تکفیری، در حالی است که با وجود گذشت چند سال از تشکیل ائتلاف موسوم به ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به رهبری آمریکا، نگاهی به کارنامه این ائتلاف، بی‌اساس بودن ادعای سردمداران این ائتلاف مبنی بر مبارزه با داعش، را اثبات می‌کند، زیرا یکی از مهمترین ابهامات درباره این ائتلاف این بوده که از ابتدای تشکیل آن بسیاری از اعضای آن از کشورهای عربی حوزه خلیج

¹ Failed State

فارس خود از حامیان و تأمین‌کنندگان مالی داعش بودند و استمرار منازعه همچنان در دستور کار آنها قرار دارد. عدم اعلام پایان عملیات مبارزه با داعش از سوی آمریکایی‌ها، علی‌رغم جشن پیروزی بر داعش از سوی حکومت و جامعه عراق، موید این گزاره است.

در روزهای اول تشکیل این ائتلاف، کشورهای عضو آن از جمله وزیر خارجه وقت عربستان اعلام کرد که مبارزه با داعش ۱۰ سال به طول خواهد انجامید، این در حالی است که نیروهای عراقی از جمله نیروهای داوطلب مردمی در کمتر از دو سال تقریباً بیش از ۹۰ درصد اراضی تحت اشغال داعش را آزاد کردند.

اعلام این برنامه ده ساله با توجه به عملکرد ائتلاف ضد داعش نشان می‌دهد که این ائتلاف قصد داشت با به دست گرفتن پرونده مبارزه با داعش و طولانی کردن روند عملیات بعلاوه حملات نمایشی علیه داعش، اهداف خود را در این مناطق محقق کند.

یافته‌های تحقیق

مسلم است که اکنون «حشد شعبی» به عنوان یک نهاد داوطلبانه مردمی - عقیدتی نوبنیاد، که از دل تهدیدی به نام «تجاوز داعش به بخشی از خاک عراق» شکل گرفت، فرصتی بی‌نظیر در راستای موضوع امنیت‌سازی در عراق به شمار می‌رود و در واقع «تئوری وابستگی نظامی به قدرت‌های بزرگ در راستای ایجاد امنیت» را ابطال و چهارچوب‌های طراحی شده در قالب موافقت‌نامه نظامی - امنیتی واشنگتن و بغداد را بی‌اعتبار می‌نماید، ضمن اینکه از یک سوی دیگر، باور «تکیه به سازمان‌های مردم‌نهاد امنیت‌ساز» را در میان دولتمردان و سیاست‌گذاران عراقی تقویت کرده است.

بنابراین در حال حاضر، «حشد شعبی» واقعیتی غیرقابل انکار در عرصه امنیت‌آفرینی عراق به شمار می‌رود که در این کشور، مخالفان و موافقان دارد. مخالفانی که در صد حذف، تضعیف یا کاهش نقش این نیروی مهم مردمی هستند و موافقانی که در راستای تقویت، تثبیت و افزایش نقش آن تلاش می‌کنند.

نکته دیگر آنکه، شکل‌گیری «حشد شعبی» در عراق، بیش از هر موضوع دیگر، نقش مرجعیت شیعی (دینی) را در عراق در راستای بسیج مردم احیا و برجسته‌تر کرد؛ به گونه‌ای که هم جامعه و هم مردم به قدرت معنوی و نرم بی‌بدیل آن بیش از پیش پی بردند. البته از طرف دیگر، حوزه علمیه نجف نیز بار دیگر، بازیگر ایفای نقشی راهبردی در راستای رفع

تهدیدات گردید. همان‌گونه که در سال‌های اولیه پس از سقوط صدام، با ایستادگی در مقابل طرح امریکایی‌ها، از عدم سوق‌یابی کامل عراق به دامن لیبرالیسم غربی جلوگیری کرد و به برخی از منازعات میان جریان‌های سیاسی شیعی نیز پایان داد. از این رو، می‌توان ادعا کرد که یافته‌های تحقیق حاضر را می‌توان به صورت خلاصه‌وار بدین شرح بیان کرد:

- اتکا و اعتماد بیشتر به مردم در راستای امنیت‌سازی در میان دولتمردان عراقی؛
 - ابطال نظریه‌های اتکا به قدرت‌های بزرگ برای امنیت‌سازی در منطقه و بی‌اعتباری موافقت‌نامه نظامی - امنیتی واشنگتن و بغداد؛
 - بازیابی قدرت، نقش و نفوذ معنوی مرجعیت و حوزه نجف؛
 - اجماع جامعه، حکومت و حوزه علمیه نجف بر سر موضوع شکل‌گیری و تقویت «حشد شعبی»؛

- افزایش اعتماد عمومی به مثابه سرمایه اجتماعی در میان «اهل سنت مورد تجاوز قرار گرفته از سوی داعش» نسبت به جامعه شیعی؛

- افزایش نقش «نیروهای رها از حاکمیت» در راستای کمک به حاکمیت عراق؛
 با این اوصاف، بر اساس این پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌های آن به نظر می‌رسد که اکنون ضمن اینکه حشدشعبی به جزیی از نیروهای نظامی - امنیتی عراق تبدیل گشته، به علاوه به مثابه نیرویی امنیت‌ساز در کنار ارتش عراق، به رفع تهدیدات از جانب تروریست‌ها کمک کرده است و در واقع می‌توان گفت که در چهارچوب قواعد و قوانین حاکم، پشتیبانی قوی برای نیروهای رسمی نظامی - امنیتی بوده است.

بر این اساس، فرضیه اصلی این پژوهش در واقع با توجه به سؤال مطرح شده اثبات می‌گردد. بر این مبنا که تشکیل نیرویی با عنوان «حشدشعبی» در ایجاد امنیت مردم پایه بسیار تأثیرگذار بوده تا جایی که توانسته است، ضمن پر کردن خلأ ناشی از ناکارآمدی ساختار نظامی - امنیتی چینش شده توسط امریکایی‌ها، تهدیدهای اصلی را از جامعه و حکومت عراق دور نماید. به علاوه، باور به قدرت امنیت‌آفرین مردم را در سیاست‌گذاران عراقی افزایش داده است.

نتیجه گیری

در واقع پیاده‌سازی «الگوی امنیتی مردم پایه» در عراق، حاکی از شکل‌گیری «قدرت دفاعی داوطلبانه، توانا و نوپایی» است که می‌تواند به سایر ضلع‌ها تسری یابد. نیروی‌های مردمی عراق از صدها هزار جوان عراقی که در بیش از ۴۰ گروه فعالیت می‌کنند، در واقع با فتوای آیت‌الله سیستانی، هویتی دینی و اعتقادی یافته‌اند و توانسته‌اند در چهارچوب «امنیت بومی محور»، امنیت را در عراق ایجاد نمایند. از این رو نقش و جایگاه این نیروها در امنیت‌سازی قابل انکار نیست.

ازسوی دیگر آنها به این سمت حرکت کرده‌اند تا در نزد افکار عمومی، وجهه‌ای مطلوب کسب کنند و برای سیاستمداران و سیاستگذاران عراقی موجد این درک گردند که تکیه بر اشغالگران، موجب امنیت نخواهد شد و بدین ترتیب وابستگی نظامی را امری منفور جلوه دهند.

بنابراین در تهدید هجوم داعش به خاک عراق و تصرف بخش‌هایی از جغرافیای این کشور، دوراندیشی و درایت مرجعیت نجف به فرصتی بی‌بدیل در ساختار نظامی - امنیتی عراق در راستای ایجاد امنیت مردم پایه تبدیل گردید. در نتیجه برای مهار وضعیت تهدیدآمیز داعش و جریان‌های تروریستی سلفی - تکفیری، نقشه راه مرجعیت در راستای «ایجاد امنیت مردم پایه» کارساز گردید و به دنبال آن مولودی به نام «حشدشعبی» برای سامان دادن به اوضاع نابسامان شکل گرفت که چنانچه با جانب انصاف این موضوع را بررسی کنیم، خلأ ناکارآمدی ساختار نظامی - امنیتی چینش شده توسط آمریکایی‌ها را نه تنها پر نموده، بلکه خود توانسته‌اند با الگوگیری از بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران، به نیرویی ذاتی و پرتوان برای بازی در عرصه‌های دیگر، تبدیل گردد؛ همچنین باور اتکا به نیروهای مردمی را در ذهن دولتمردان عراقی رقم زده است.

در حال حاضر، حشدشعبی، علی‌رغم برخی چالش‌ها، واجد دستاوردهای بزرگی در صحنه نظامی - امنیتی بوده است؛ به‌گونه‌ای که ناکارآمدی توافقنامه نظامی - امنیتی میان واشنگتن و بغداد را بیش از پیش نمایان ساخت و نگاه‌ها را به سمت «ایجاد امنیت بر پایه‌های عقیدتی و مردمی» سوق داده است.

منابع:

- آزاد، امیرحامد. (۱۳۹۵). **سایه روشن حشدشعبی**، ج اول. تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور.
- اسدی، علی اکبر. (۱۳۹۳). **روند دولت - ملت سازی در عراق جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی**، ج دوم. تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۹). «صلح و امنیت بین‌الملل؛ رویکردی اسلامی». قابل دستیابی در کتاب: حسین پوراحمدی، «اسلام و روابط بین‌الملل؛ چهارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی». تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افشون، تورج. (۱۳۹۴). «دین و علمانیت در ساختار حقوقی - حاکمیتی عراق»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال شانزدهم، شماره ۳.
- بهمن، شعیب و علی کاظم خانلو. (پاییز ۱۳۹۴). «دیپلماسی نهضتی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال شانزدهم، پاییز ۶۳، شماره ۳.
- حاجی یوسفی، امیر محمد و ابوالقاسم عارف‌نژاد. (۱۳۹۰). «تشانه‌شناسی گفتمان در اسلام سیاسی و مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی». **پژوهشنامه علوم سیاسی**. سال ششم، شماره چهارم.
- پایگاه خبری - تحلیلی انتخاب. (۱۸ شهریور ۱۳۹۵). «واکنش ریاض به ادعای ایندیندنت». (تاریخ دسترسی هفدهم بهمن ۱۳۹۶). قابل دسترسی در **سایت انتخاب**.
- خبرگزاری ایسنا. (۷ شهریور ۱۳۹۵). «درخواست رسمی عراق برای تغییر سفیر عربستان در بغداد». (تاریخ دسترسی بیستم دی ۱۳۹۶). قابل دسترسی در **سایت ایرنا**.
- خبرگزاری تسنیم. (۱۷ مرداد ۱۳۹۵). «راهکار یکسره شدن کار تکفیری‌ها در موصل/ حشد شعبی در نبرد بزرگ شرکت می‌کند». (تاریخ دسترسی نوزدهم بهمن ۱۳۹۶). قابل دسترسی در **سایت خبرگزاری تسنیم**.
- خبرگزاری تراز نیوز. (۱۴ دی ماه ۱۳۹۵). «گفت‌وگو با سید عمار حکیم در خصوص اوضاع عراق». (تاریخ دسترسی بیستم آذر ۱۳۹۶). قابل دسترسی در **سایت تراز نیوز**.
- خبرگزاری روز نو. (۸ دی ماه ۱۳۹۵). «وزیر خارجه عربستان: حشدالشعبی عراق تحت فرمان افسران ایران است». (تاریخ دسترسی بیستم دی ۱۳۹۶). قابل دسترسی در **سایت روز نو**.

- خبرگزاری مهر. (۱۴ دی ۱۳۹۵). «ابومهدی المهندس: احتمال حضور حشدشعبی در سوریه وجود دارد». (تاریخ دسترسی بیستم دی ۱۳۹۶). قابل دسترس در **سایت مهر نیوز**.
- المهندس، ابومهدی. (۴ بهمن ۱۳۹۶). «حشد شعبی مسئول تأمین امنیت بخشهای مهمی از مرزهای سوریه و عراق است». (تاریخ دسترسی بیستم دی ۱۳۹۶). قابل دسترس در **سایت خبرگزاری مهر**.
- فاطمی زاده، محمد. (۵ آبان ۱۳۹۶). «گفتگو با رئیس فراکسیون الموطن در گفتگو با مهر: حشد شعبی مانع تجزیه عراق شد/ نقش مرجعیت دینی در یکپارچگی عراق». (تاریخ دسترسی بیستم دی ۱۳۹۶). قابل دسترس در **سایت مهر نیوز**.
- کرمی، شرمین. «حشدشعبی - نیروی بسیجی عراق؛ چرا و چگونه شکل گرفت؟». (تاریخ دسترسی ۲۰ دی ۱۳۹۶). قابل دسترس در **سایت الوقت**.
- شرح حکمت ۳۱ نهج البلاغه. (۱۳۹۲). قابل دسترس در **سایت تهیج علی**.
- وب سایت با اقتصاد. (۲۸ آبان ۱۳۹۶). «مراسم ختم دبیر کل حزب الدعوة عراق نوری مالکی: وجود حشدالشعبی برای دوران پس از داعش ضروری است». (تاریخ دسترسی دهم بهمن ۱۳۹۶). قابل دسترس در **سایت با اقتصاد**.
- عادل محمد، انور. (ایار ۲۰۱۵). «العلاقات العراقية - السعودیه، ارث الماضی و آفاق المستقبل». **دورهٔ ابحاث استراتیجیه، العدد ۹**.
- عدنان عزیز، احمد. (نیسان ۲۰۱۶، رجب ۱۴۳۶). «دور الحشدالشعبی فی تعزیز الوحده الوطنیه». **فصلیه فکریه حوار الفکر. السنه الحادیه عشر، العددان ۳۶-۳۷**.
- خبرگزاری ایلاف (بغداد). (2015/10/10). «رفضنا تنسيقاً عسكرياً مع روسيا و إيران و سوريا». (تاریخ دسترسی بیستم دی ۱۳۹۶). قابل دسترس در **سایت**:

<http://elaph.com/web/news/2015/10/10.43630.html>